



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه

-
- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن
 - تحول زندان در ایالات متحده آمریکا
-

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن*

تالیف: ان. کیوتو**

ترجمه: اسماعیل عبدالهی***



چکیده:

ژاپن یکی از مهمترین کشورهای صنعتی جهان به شمار می‌رود و فعالیتهای صنعتی و تجاری در ابعاد و سطوح مختلف در آن جریان دارد. در توسعه اقتصادی و صنعتی این کشور، علاوه بر سرمایه‌های داخلی، سرمایه‌های خارجی نیز نقشی اساسی ایفا کرده است که نتیجه آن تأسیس و پیدایش مجموعه‌های متنوع صنعتی و تجاری بوده است. با پیدایش این ساختارهای جدید، تدوین مقررات نو و متناسب با وضع جدید نیز اجتناب‌ناپذیر است، چرا که از طریق مقررات مربوط به روابط افراد حقیقی، تنظیم روابط این مؤسسات (خصوصاً در امور کیفری) دشوار می‌نماید. از همین رو باید مقرراتی وضع و اجرا شود که با پدیده‌ها و روابط مزبور همخوانی داشته، قادر به هدایت و کنترل فعالیتها و اقدامات آنها باشد. با توجه به این ضرورت در فاصله جنگ اول و دوم جهانی و

* Criminal liability of corporations - Japan, N.Kuoto; in: Criminal liability of corporations, ed: Haas doelder R kLAUS Tiedemann, Kluwer Law International, 1996, PP.275- 288.

متأثر از رویکرد کشورهای اروپایی در مورد اشخاص حقوقی اصلاحات حقوقی ای در کشور ژاپن صورت گرفت و گاه مقررات جدیدی نیز وضع شد. یکی از قوانین مهم در این رابطه قانون جلوگیری از فرار سرمایه به کشورهای خارجی بود که در آن قاعده معروف «ریویاتسو-کایتی» پیش‌بینی شد. براساس قاعده مزبور و برخلاف سنت حقوقی این کشور، نه تنها مدیران، نمایندگان و مستخدمین شخص حقوقی قابل تعقیب کیفری شناخته شدند، بلکه اهلیت کیفری اشخاص حقوقی نیز به رسمیت شناخته شد. در این تحولات حقوقی، مسائلی همچون دلایل و مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تئوری‌های مختلف، نحوه محاکمه، محکومیت و نوع ضمانت اجراهای قابل تحمیل نسبت به این‌گونه اشخاص مطرح شده است که می‌تواند در جهت آشنایی با این نظام حقوقی، به ویژه به عنوان کشوری که از مدتها قبل با پدیده اشخاص حقوقی درگیر بوده است، مفید باشد.

کلید واژه‌ها: شخص حقوقی، اهلیت کیفری، مسئولیت کیفری، مجازات‌های دو طرفه.

مبحث اول: تاریخچه مقررات و اندیشه‌های ناظر بر مسئولیت کیفری شخص حقوقی^(۱) و تحولات جدید آن

۱-۱. وضعیت قدیم

الف - تا پیش از سال ۱۹۳۲ در نظام کیفری ژاپن اگر مشخص می‌شد که رفتار یک شخص حقوقی باعث ایجاد جرم شده است، به جای مجازات کردن شخص حقوقی، رئیس، نماینده و یا مدیر آن مورد مجازات می‌شد؛ در حالی که مرتکب حقیقی (شخص طبیعی ای نیز که رفتار مزبور را انجام داده بود) مجازات نمی‌شد.

۱. واژه‌ای که معادل اصطلاح اشخاص حقوقی در نیتز مقاله استفاده شده است، واژه انگلیسی Corporations می‌باشد. لیکن در غالب عبارات و سرتاسر مقاله از اصطلاح enterprise نام برده شده است. هرچند در بسیاری از فرهنگها اصطلاح مزبور در معنای مؤسسه تجاری بکار رفته است. ولی چون در پارگراف اول مقاله معادل انتخابی نویسنده برای واژه مزبور legal entity می‌باشد که دقیقاً به معنای شخص حقوقی است، لذا در ترجمه متن سعی شده است که از اصطلاح شخص حقوقی در تعریف enterprise استفاده شود. [مترجم]

این مسئولیت نیابتی^(۱) رئیس، نماینده و مدیر، به شدت تحت تأثیر تئوری کیفری اروپایی مبنی بر اینکه شخص حقوقی فی نفسه قادر به ارتکاب جرم نمی باشد، بود.^(۲)

ب - در سال ۱۹۳۲، این سنت و سابقه حقوقی تغییر یافت و نظام حقوقی جدیدی به وجود آمد. در این سال «قانون جلوگیری از فرار سرمایه به کشورهای خارجی»^(۳) تصویب شد که در آن قاعده به اصطلاح «ریوباتسو-کایتی»^(۴) (نظام مجازاتهای دوطرفه)^(۵) پیش‌بینی شده بود. بر اساس قانون مزبور، چنانچه ثابت می شد رفتار شخص حقوقی باعث پیدایش جرم شده است، نه تنها فرد مرتکب، بلکه خود شخص حقوقی نیز قابل مجازات بود. بدین ترتیب مسئولیت کیفری نیابتی رئیس، نماینده و مدیر منسوخ گردید (به این معنی که رئیس، نماینده و مدیر فقط وقتی باید مجازات شوند که خود آنها جرم مورد ادعا را مرتکب شده باشند).
نظام حقوقی جدید به دلایل زیر به وجود آمد:

الف) اولاً، اینکه رئیس، نماینده و یا مدیری که در ارتکاب جرم دخالت نداشته است مورد مجازات قرار گیرد، حال آنکه فرد مرتکب (فاعل طبیعی جرم) که جرم را انجام داده است، مجازات نشود برخلاف اصول حقوق کیفری است.

ب) از طرف دیگر، زمانی که فقط یک مرتکب حقیقی (همچون رئیس، نماینده یا مدیر) باید مجازات شود، شخص حقوقی از [تلاش برای] اینکه وی را معاف

۱. vicarious liability (مسئولیت نیابتی): یعنی تحمیل مسئولیت بر یک شخص به واسطه رفتار دیگری صرفاً به خاطر رابطه‌ای که بین آن اشخاص وجود دارد. مثل مسئولیت کارفرما در قبال رفتار کارگر و یا متصدی حمل و نقل به واسطه رفتار راننده خود. [مترجم]

۲. تا آن تاریخ در اکثر کشورهای اروپایی مقررات قانونی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی صراحت نداشت. رویه قضائی نیز نظر مثبتی در این باره نشان نمی داد. مثلاً در سکوت قانون ۱۸۱۰ فرانسه، رویه قضائی به عنوان قاعده مقرر کرده بود که: «اشخاص حقوقی نمی‌توانند مسئولیت کیفری و حتی مالی داشته باشند، چه جزای نقدی هم یک مجازات بوده و علیه یک شرکت تجاری موجود حقوقی، نباید مورد حکم واقع شود. شخص حقوقی فقط می‌تواند مسئولیت مدنی داشته باشد (به نقل از: حقوق جزای عمومی (جلد اول)، حسن دایان، ص ۴۰۵).

3. An act preventing escape of capital to foreign countries.

4. Ryobatsu - kitei (regulation of two- sided punishments).

۵. منظور از مجازاتهای دو طرفه این نیست که انسان می‌تواند دوبار مجازات شود، بلکه بدین معناست علاوه بر فرد مرتکب، شخص حقوقی نیز قابل مجازات است. بنابراین، اصطلاح bilateral punishment ترجمه صحیح از قاعده مزبور است.

ساخته و از مسئولیت رهایی بخشد، اجتناب نخواهد کرد، زیرا افراد مزبور باعث و بانی [جلب] منافع و عوایدی برای آن بوده‌اند. پس، برای پیشگیری از وقوع جرم از طرف شخص حقوقی، ضروری است که او نیز مورد مجازات قرار گیرد. این نظام حقوقی جدید بعد از جنگ جهانی دوم نیز باقی ماند و هم‌اکنون یک ابزار قانونی مناسب در برابر اشخاص حقوقی در ژاپن است.

قواعد «ریوباتسو - کایتی» که تاکنون تصویب شده‌اند، متنوع‌اند، اما همه آنها از یک ویژگی مشترک درباره کسی که باید مجازات شود، برخوردارند: آن ویژگی این است که هم شخص حقیقی باید مورد مجازات قرار گیرد هم شخص حقوقی.

قاعده «ریوباتسو - کایتی» مقرر می‌کند که: نه تنها مرتکب حقیقی باید مجازات شود، بلکه یک شخص حقوقی (خواه یک موجودیت حقوقی، خواه یک فرد)^(۱) نیز باید به مجازات جزای نقدی محکوم شود، و این در صورتی است که «نماینده، عامل، کارمند یا هر فرد دیگری که در خدمت آن شخص است» عملی غیرقانونی انجام داده باشد.

این قاعده ادعا نمی‌کند که فاعل حقیقی، یعنی نماینده، کارمند و یا هر شخص دیگری «مرتکب جرم» می‌شود؛ در واقع، منظور از عبارت «غیرقانونی عمل کردن» این نیست که رفتار مرتکب حقیقی مستقیماً (و مستقلاً) جرم را تشکیل می‌دهد.^(۲) به عبارت دیگر، از منظر تئوریک، قاعده «ریوباتسو - کایتی» این موضوع را که چه کسی - شخص حقیقی یا شخص حقوقی - مرتکب جرم می‌شود، روشن نمی‌کند.

قاعده «ریوباتسو - کایتی» باید در مقررات [به طور] خاص پیش‌بینی شود وگرنه شخص حقوقی قابل مجازات نیست. همچنین، وقتی یک تکلیف قانونی فقط ناظر به یک شخص حقوقی است، بدون پیش‌بینی قاعده «ریوباتسو - کایتی»، شخص حقیقی قابل مجازات نیست، چرا که تکلیف قانونی مزبور که نقض آن مستلزم وقوع

۱. منظور این است که یک شخص حقوقی یا مؤسسه تجاری علاوه بر اینکه ممکن است به عنوان مجموعه‌ای از افراد بوده و فردیت آنها در قالب جدید مستحیل شود، بلکه ممکن است کماکان در یک فرد خلاصه و نمایان شود. [مترجم]

۲. با توجه به عبارت «غیرقانونی عمل کردن» به نظر می‌رسد که قاعده «ریوباتسو - کایتی» می‌کوشد جرم را هم به مرتکب حقیقی انتساب دهد، هم به شخص حقوقی. [مترجم]

جرم است، متوجه شخص حقیقی نبوده است. (اما) با اشاره به عبارت فوق‌الذکر «نه تنها یک فرد حقیقی باید مجازات شود» قاعده مزبور این امر را آشکار می‌کند که مقنن شخص حقیقی را نیز مورد مجازات قرار خواهد داد. معمولاً مقررات اداری وقتی متضمن قاعده «ریوباتسو-کایتی» هستند که دارای بخش مجازاتها (تنبیها) باشند. در اینجا وحدت نظر گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه شخص حقوقی بدون وجود قاعده «ریوباتسو-کایتی» مجازات نخواهد شد. معنای این مطلب آن است که به موجب قانون کیفری ژاپن (مصوب ۱۹۰۷)، شخص حقوقی مجازات نمی‌شود، زیرا قانون مزبور متضمن هیچ قاعده‌ای به نام «ریوباتسو-کایتی» نبود.

به هر حال از جهت نظری، قاعده «ریوباتسو-کایتی» پیچیده و مبهم است. ممکن است گفته شود که یک شخص حقوقی قابل مجازات نیست، زیرا در قانون کیفری ژاپن هیچ نوع قاعده «ریوباتسو-کایتی» وجود ندارد و لذا اگر ما بخواهیم بر اساس قانون کیفری خود،^(۱) یک شخص حقوقی را مورد مجازات قرار دهیم، اصلاح قانون ضروری است. همچنین، می‌توان گفت که یک شخص حقوقی از آن جهت که قابلیت ارتکاب جرم را ندارد، نمی‌تواند مورد مجازات قرار گیرد. این وضعیت بدین معنی است که قاعده «ریوباتسو-کایتی» را هم بر اساس دیدگاهی که اهلیت کیفری شخص مزبور را می‌پذیرد، می‌توان تفسیر کرد و هم مطابق نظریه‌ای که توانایی کیفری شخص مزبور را انکار می‌کند. با توجه به اینکه قاعده مزبور از چنین ماهیت مبهم و نامعلومی برخوردار است، لذا این نظریه به طور قطعی رد نشد و به تدریج از جهت نظری و عملی پذیرفته شد.

بر اساس قاعده «ریوباتسو-کایتی» یک شخص حقوقی فقط زمانی می‌تواند مجازات شود که ضمانت اجرای کیفری نظامات نقض شده، جزای نقدی باشد و در این صورت به همان میزان جزای نقدی محکوم می‌شود. اما اگر ضمانت اجرای قانون منحصرأ مجازات زندان باشد، دیگر امکان مجازات شخص حقوقی وجود

۱. منظور قانون کیفری مصوب ۱۹۰۷ است. لازم به یادآوری است که قاعده «ریوباتسو-کایتی» در نظام حقوقی ژاپن برای اولین بار در سال ۱۹۳۲ (در قانون جلوگیری از فرار سرمایه به کشورهای خارجی) پذیرفته شد.

ندارد، مگر آنکه شخص حقوقی، یک فرد (شخص طبیعی)^(۱) باشد.^(۲)

۱-۲. تفسیر قاعده «ریوباتسو-کایتی»

از آنجا که قاعده فوق تاب تفسیرهای مختلف را دارد، در خصوص چگونگی تفسیر آن، اختلاف نظر وجود دارد. تفاسیر اخیر (بعد از جنگ جهانی دوم) در صد تیبین اهلیت (کیفری) شخص حقوقی بدون استفاده از ایده مسئولیت نیابتی هستند، چرا که این فرض و عقیده وجود دارد که مسئولیت نیابتی با دکتترین اساسی مسئولیت کیفری مغایرت دارد.

الف) کسانی که اهلیت کیفری شخص حقوقی را قبول دارند، می‌توانند این قاعده را به سهولت تشریح کنند. بر همین اساس، شخص حقوقی باید مجازات شود زیرا از طریق مستخدم خود (و یا از طریق نماینده) مرتکب جرم شده است. به طور کلی، در این رابطه باید رفتار مستخدم به طور مستدل ثابت شود تا شخص حقوقی قابل مجازات باشد.

برخی^(۳) اصرار می‌ورزند که شخص حقوقی می‌تواند بدون اثبات رفتار مستخدم نیز مجازات شود. این ایده در اصطلاح تئوری ساختار شخصیت حقوقی^(۴) نامیده می‌شود که بیانگر وضعیت دشوار کنونی مجازات کردن یک شخص حقوقی دارای سازمان گسترده و پیچیده است، زیرا اغلب شناسایی مرتکب واقعی جرم مشکل است و نهایتاً باید از به کیفر رساندن شخص حقوقی صرف نظر کرد. به هر حال، ایده مزبور به عنوان عقیده اقلیت باقی مانده است.

لذا، این سؤال مطرح است که آیا یک شخص حقوقی خود می‌تواند مرتکب جرم شود؟ در این رابطه تفسیرهای مختلفی وجود دارد:

۱. رفتار مستخدم، رفتار شخص حقوقی نیز هست، پس وقتی یکی از اعضای سازمان یک شخص حقوقی مرتکب جرم می‌شود، رفتار عضو مزبور به عنوان رفتار شخص حقوقی نگریسته می‌شود (ایتاکورا، نظریه اقلیت که در بالا اشاره شد).

1. Natural person.

۲. منظور مواردی است که شخص حقوقی فقط از یک نفر تشکیل شده باشد. [مترجم]

۳. منظور استاد هیروشی ایتاکورا و دیگران می‌باشد.

4. Kigo- soshikitai- sekininron.

۲. رفتار شخص حقوقی نوعی غفلت (مسامحه) است. یعنی، شخص حقوقی (از طریق یکی از اعضا یا مدیر عالی رتبه) مراقبت لازم را برای جلوگیری از ارتکاب جرم به وسیله مستخدم خود به عمل نیاورده است. چنین ترک فعلی تشکیل دهنده رفتار مجرمانه شخص حقوقی است (پروفسور نوری یوکی نی شیدا و پروفسور کن سوکی ایتو^(۱)) و خود نویسنده بر شبیه همین اندیشه تأکید می‌کنند، هر چند که آنها در مورد رفتار متشکله جرم و اینکه آیا رفتار شخص حقوقی، فعل یا ترک فعل است، دیدگاه‌های مختلفی دارند).

تفاوت عمده بند ۱ و ۲ در این است که آیا برای مجازات کردن شخص حقوقی، احراز رفتار مرتکب حقیقی (یا شخص طبیعی) ضرورت دارد یا خیر. امروزه اظهار می‌شود که دیوان عالی ژاپن اهلیت کیفری شخص حقوقی را پذیرفته و در واقع برای مجازات نمودن آن دومین ایده را دنبال می‌کند، هر چند که در مورد رویه دیوان عالی تحلیل متفاوتی وجود دارد.

ب) کسانی که منکر اهلیت کیفری شخص حقوقی اند، مجازات آن را به گونه متفاوتی تشریح می‌کنند. مطابق این دیدگاه، نماینده شخص حقوقی (یعنی یک شخص طبیعی) مرتکب جرم می‌شود و شخص حقوقی به واسطه ترک فعل ایشان می‌تواند به جزای نقدی محکوم شود (معمولاً ترک فعل نماینده شخص حقوقی، مجوزی برای ارتکاب جرم از طرف مستخدم یا کارمند شخص حقوقی به شمار نمی‌آید و رفتار او جرم شمرده می‌شود). بنابراین، شخص حقوقی قادر به ارتکاب جرم نیست، اما وقتی که بازتاب و اثر اخلاقی جرم ضعیف باشد، همچون جرائم انضباطی^(۲) و به منظور محقق ساختن یک هدف اداری، می‌توان شخص حقوقی را

1. Prof. Noriyuki Nishida, prof. Kensuke Ito.

۲. Regulatory offences یا Public Welfare Offences (جرائم انضباطی یا مربوط به رفاه عمومی) - جرائم از حیث ضرورت یا عدم ضرورت احراز عنصر روانی یا قابلیت سرزنش اخلاقی فرد، به دو دسته ؛ جرائم واقعاً کیفری و جرائم انضباطی یا مربوط به رفاه عمومی تقسیم می‌شوند. دسته اخیر در معنی واقعی کلمه جنبه کیفری ندارند و به منظور تأمین مصالح و امنیت عمومی ممنوع شده و مورد مجازات قرار می‌گیرند، مثل جرائم ناظر بر امر بهداشت، محیط زیست، ترافیک و غیره. نظر غالب این است که جرائم مزبور، جرائم با مسئولیت مطلق هستند و مقام تعقیب کننده منحصرأ باید ثابت نماید که متهم رفتار ممنوعه را مرتکب شده است و یا مسئول عنصر مادی جرم است. [مترجم]

به مجازات جزای نقدی محکوم کرد.^(۱)

۳-۱. تحول جدید

اخیراً ما شاهد یک تحول مهم در این قلمرو هستیم. در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ میلادی به ترتیب قانون تضمینات معاملات بورس^(۲) و قانون ضد انحصار^(۳) اصلاح شده است. براساس این دو قانون اصلاحی و به منظور فراهم کردن امکان مجازات اشخاص حقوقی با میزان جریمه‌ای بیشتر از سابق، نظام «ریویاتسو-کایتی» بعضاً متحول شده است. در حال حاضر، می‌توان شخص حقوقی را به خاطر ارتکاب جرم شدید مندرج در قانون ضدانحصار تا مبلغ صد میلیون ین و بر اساس قانون تضمینات معاملات بورس تا مبلغ سیصد میلیون ین محکوم کرد. پیش از اصلاحات مزبور، شخص حقوقی فقط تا پنج میلیون ین (براساس قانون ضدانحصار) و یا سه میلیون ین (مطابق قانون تضمینات معاملات بورس) قابل مجازات بود. فلسفه این اصلاحات در گزارشی که برای اصلاح قاعده «ریویاتسو-کایتی» در قانون ضد انحصار پیشنهاد شده بود، تشریح شده است. در کمیسیون تجارت عادلانه (بی‌طرف)^(۴)، کمیته ویژه‌ای برای اصلاح ضمانت اجرای کیفری مندرج در قانون ضدانحصار ایجاد شد. این کمیته ویژه (که ریاست آن بر عهده پروفیسور آکیراشودا و نائب رئیس آن، پروفیسور کیونجی شیباهارا بود) موضوع را مورد بحث قرار داد و گزارش نهایی خود را در پایان سال ۱۹۹۱ به کمیسیون تجارت عادلانه (بی‌طرف) ارائه کرد. گزارش یاد شده پیشنهاد می‌کرد که در مورد ارتکاب جرائم شدید مندرج در قانون ضدانحصار توسط یک شخص حقوقی چند صد میلیون ین جریمه تحمیل شود...^(۵)

۱. دکتر شی‌چی مینسو داندو و استاد تابر فوکودا، از نظریه‌پردازان معروف و منتقد ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم بوده که حامی نظریه فوق‌الذکر می‌باشند.

2. Securities Exchange Act.

3. Antimonopoly Act.

4. Fair trade commission.

۵. این کمیته ویژه مبلغ مناسب جزای نقدی قابل اعمال علیه شخص حقوقی را به نسبت متوسط درآمد و اموال افراد (بقه سفید با موقعیت عالی) و اشخاص حقوقی و همچنین با توسل به اطلاعات مختلفی که سهام و جریان فعالیت افراد و اشخاص حقوقی را نشان می‌دهد، تعیین کرده بود. اگر بتوان تصور کرد که

مجازات کردن یک شخص حقوقی با جریمه سنگین‌تر، امری متعارف (معقول) است و این اصلاحیه اولین گام در جهت اصلاح سایر قواعد «ریویاتسو-کایتی» خواهد بود که براساس آنها میزان جریمه قابل تحمیل علیه شخص حقوقی به میزان جریمه‌ای است که نسبت به یک فرد (حقیقی) اعمال می‌شود.

مبحث دوم: طرز رفتار با یک شخص حقوقی بدون توجه به (نوع) شخص حقوقی

به اعتقاد نویسنده در ژاپن مقرراتی وجود دارد که بر اساس آنها یک شخص حقوقی بدون توجه به شخصیت حقوقی آن مجازات خواهد شد (برای مثال، بخش (۲) ۹۵ قانون ضدانحصار متضمن چنین امری است). این مقررات جنبه استثنایی دارد و در رویه عملی ژاپن اهمیت چندانی ندارد. بنابراین، مقررات مزبور توجه زیادی را به خود جلب نمی‌کند. پس (باید دید) این مسأله با توجه به اندیشه‌های مختلفی که مورد اشاره قرار گرفت، به چه نحو حل می‌شود؟

تئوری ساختار شخصیت حقوقی اصرار دارد که شخص حقوقی به عنوان مجموعه‌ای از افراد، قابلیت ارتکاب جرم را دارد. بر اساس این ایده، امکان مجازات کردن هر نوع شخص حقوقی وجود خواهد داشت، به شرط اینکه چنین شخصی توسط مجموعه‌ای از افراد اداره شود، با وجود این، ایده مزبور تصریح ندارد که مسلماً هر نوع شخص حقوقی قادر به ارتکاب جرم است.

ایده دیگر نیز بر قابلیت ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی تأکید دارد، زیرا ضمانات اجراهای کیفری فاقد هر نوع عنصر اخلاقی^(۱) (یا روانی) هستند و صرفاً

۱- کیفر جزای نقدی علیه افراد مؤثر است (که مبلغ آن بر اساس قانون ضدانحصار، پنج میلیون ین می‌باشد)، در آن صورت لازم است که میزان «درآمد و اموال افراد» و «جزای نقدی قابل اعمال نسبت به افراد» با میزان «درآمد و اموال اشخاص حقوقی» و «جزای نقدی علیه آنها» برابری داشته باشد، هر چند که شاخصها و عناصر فوق، تنها عنصر برای تصمیم‌گیری در مورد مبلغ جزای نقدی در مورد اشخاص حقوقی نمی‌باشد. با توجه به چنین عنصری، مبلغ مناسب جزای نقدی علیه اشخاص حقوقی، سیصد تا پانصد میلیون ین می‌باشد که این مبلغ با عنایت به ملاحظات سیاسی تا یکصد میلیون ین کاهش داده می‌شود.

۱. منظور نویسنده این است که در این ایده عنصر یا عامل قابلیت سرزنش اخلاقی رفتار در اجرای ضمانت

وسایلی برای کنترل اجتماعی اند و لذا ضمانت اجراهای کیفری علیه هر یک از انواع شخصیت‌های حقوقی قابل اعمال و استفاده است. از آنجا که ضمانت اجراهای کیفری به کنترل اجتماعی مؤثرتر، کمک می‌کنند، لذا چنین ایده‌ای (ریوچی هیرانو)^(۱) در طول دهه ۱۹۶۰ میلادی و بعد از آن در کشور ژاپن حکمفرما بوده است. با این حال طبق ایده مزبور هنوز روشن نیست که آیا مجازات کردن یک شخص حقوقی بدون توجه به (نوع) شخصیت حقوقی آن نیز امکان‌پذیر است یا خیر. این ایده هنوز هم راهکار کنترل رفتار یک شخصیت حقوقی را از طریق ضمانت اجراهای کیفری توسعه نداده است و معلوم نیست که چگونه می‌توان تحمیل ضمانت اجراهای کیفری را به عنوان نوعی وسیله کنترل رفتار شخص حقوقی توجیه کرد.

مبحث سوم: مسئولیت نیابتی شخص حقوقی

۱- در ژاپن هیچ نوع نظام مسئولیت مدنی‌ای برای شخص حقوقی در برابر جرمه‌هایی که بر مباشران جرم تحمیل می‌شود، وجود ندارد. نظام مسئولیت مدنی ایجاب خواهد کرد که جرمه‌ها به وسیله شخص حقوقی پرداخت شود و این خود می‌تواند تأثیرگذاری ضمانت اجراهای کیفری را کاهش دهد. علاوه بر این، چنین نظامی به جبران خسارات قربانیان جرائم کمک نمی‌کند.

۲- ضمانت اجراهای اداری متنوعی وجود دارد که از آن میان، محرومیت از پروانه عملیات تجاری^(۲) ممنوعیت از انجام تجارت^(۳) ضمانت اجرای مالی^(۴) قابل اشاره‌اند، لیکن این ضمانت اجراها جنبه عمومی دارند و محدود به یک شخص حقوقی نمی‌شوند. در میان آنها دو نوع اخیر بیشتر اعمال می‌شوند. ضمانت

← اجراهای کیفری نسبت به شخص حقوقی هیچ مداخله‌ای ندارد و مبنای مجازات آنها تأمین مصالح جامعه و نظارت بر رفتار آنهاست. [مترجم]

1. Ryuichi Hirano.
2. Menkyo-Teishi- shobun.
3. Eigyo- Teishi- shobun.
4. Karyo.

اجراهای مزبور در مقایسه با ضمانت اجراهای کیفری در ژاپن نقش مهمتری ایفا می‌کنند. همچنین، بسیاری از مقررات، برخوردار از نوعی ضمانت اجرای اداری محرومیت از پروانه هستند که ضمانت اجرای شدیدی نسبت به شخص حقوقی خواهد بود. اما این ضمانت اجرا کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، چرا که در مورد شخص حقوقی شدید و سختگیرانه است.

۳- در برخی حوزه‌ها مسئولیت‌های شبه کیفری وجود دارد.

الف) اضافه پرداخت یا جریمه امتناع از پرداخت^(۱) مندرج در بخشهای ۲-۷ و ۲-۸ قانون ضد انحصار.

مبالغ جریمه تا شش درصد گردش مالی در طول مدت رفتار غیرقانونی است که در ظرف سه سال پرداخت می‌شود (این درصد در مورد انواع خاصی از فعالیت‌های تجاری یا سطوح معینی از اشخاص حقوقی کاهش پیدا می‌کند؛ معامله خرده فروشی (یا تجارت خرد) ۲ درصد، عمده فروشی (یا تجارت کلان) یک درصد و در مورد شخص حقوقی متوسط یا کوچک از شش درصد فوق‌الذکر تا سه درصد و نسبت به دو درصد مذکور تا یک درصد در هر مورد تخفیف اعمال می‌شود).

ماهیت جریمه مزبور به نحوی است که تفسیرهای مختلف را اجازه می‌دهد. این جریمه می‌تواند به منظور محرومیت از منافع غیرقانونی که به واسطه نقض قانون ضدانحصار، همچون سوء استفاده کارتل^(۲) از یک شخص حقوقی تحصیل شده است، اعمال شود.

با توجه به اینکه ضمانت اجرای کیفری نیز در مورد اعمال غیرقانونی مزبور وجود دارد، لذا توجیه چنین جریمه‌ای دشوار به نظر می‌رسد، مگر آنکه فقط به منظور محرومیت شخص حقوقی از منافع نامشروع تحمیل شود. در غیر این صورت تحمیل چنین جریمه‌ای نمی‌تواند مانع انتقادی همچون مخاطرات مضاعف^(۳) یا مجازاتهای مضاعف^(۴) گردد. به هر حال جریمه مندرج در قانون ضد

1. Kachokin.

۲. Cartel اتحادیه تولید کنندگان محصول مشابه به منظور تسلط بر بازار. [مترجم]

۳. Double Jeopardies (مخاطرات مضاعف): در ادبیات حقوقی ناظر بر این موضوع است که متهم یا

انحصار کارکردی همچون یک ضمانت اجرای شبه جزایی می تواند داشته باشد. (ب) مالیات اضافی^(۵) مندرج در بخش ۶۸ قانون مالیات عمومی کشوری. چنانچه شخص (حقوقی) از پرداخت مالیات طفره رود، ۳۵٪ تا ۴۰٪ مالیاتی که پرداخت خواهد شد، به عنوان مالیات اضافی به مبلغ مربوطه اضافه می شود. ۴- به طوری که در بالا توضیح داده شد، براساس قاعده «ریوباتسو- کایتی» شخص حقوقی دارای قابلیت جزایی است. مطابق قاعده مزبور مجازات قابل تحمیل نسبت به شخص حقوقی جزای نقدی است. امروزه معمول است که قوانین اداری برای مجازات کردن یک شخص حقوقی این قاعده را پیش بینی می کنند. بنابراین، در حال حاضر قوانین اداری فاقد قاعده مذکور بیشتر جنبه استثنایی دارند.

مبحث چهارم: فلسفه مجازات شخص حقوقی و

تلاش های ناظر بر تسهیل مشکلات اثباتی

دلیل اینکه چرا اشخاص حقوقی بر اساس قاعده «ریوباتسو- کایتی» از نظر کیفری مسئول هستند، خیلی روشن نیست. این قاعده از جمله قواعدی است که هر نظریه ای می تواند مطابق آن روشی را برای توجیه مجازات اشخاص حقوقی پیدا کند. به عبارت دیگر، طبق قاعده مزبور مجازات اشخاص حقوقی، حتی اگر انسان اهلیت کیفری آنها را نپذیرد می تواند قابل توجیه باشد. از سوی دیگر وقتی انسان قائل به توانایی کیفری اشخاص حقوقی باشد دیگر برای توجیه مبنای مجازات آنها هیچ مشکلی ندارد. با این حال قاعده «ریوباتسو- کایتی» در چارچوب هیچ یک از تئوری های خاصی که مجازات اشخاص حقوقی را توجیه می کنند، نمی گنجد. به هر حال، به نظر می رسد که محاکم بر اساس تفسیر زیر توانایی کیفری و

← مجرم به واسطه جرم واحدی بعد از ترئه یا محکومیت مجدداً مورد تعقیب، محاکمه، یا مجازات قرار گیرد. به هر حال این امر در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف ممنوع تلقی شده است و شخص در برابر چنین مخاطراتی مورد حمایت قرار گرفته است (به نقل از کتاب Principles of criminal law نوشته ها روی والاس و کلیف رابرسون ص ۲۶). [مترجم]

۴. Double Punishments (مجازاتهای مضاعف): منظور مجازاتهایی است که علاوه بر تعقیب هدفی که موضوع آن است، رنج و عذاب جدیدی بر فرد تحمیل می کند. مثل حبس با اعمال شاقه. [مترجم]

ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی را قبول دارند: وقتی که فاعل (ارتکاب جرم) نماینده شخص حقوقی است، رفتار او به عنوان رفتار خود شخص حقوقی فرض می‌شود و بدین ترتیب چنین شخصی از نظر کیفری مسئول تلقی می‌شود. اما در صورتی که فاعل جرم نماینده شخص حقوقی نیست، مسامحه شخص حقوقی (که در واقع مسامحه نماینده است) علت مسئولیت کیفری او به حساب می‌آید.^(۱) در این رابطه، یکی از مسائل مهم، مسأله اثبات و ارائه دلیل است. با این حال، تاکنون تلاش‌های تئوریک و تقنینی از جهت تسهیل به کیفر رساندن اشخاص حقوقی مقرون به موفقیت نبوده است. تلاش محاکم نیز در این راستا به طور دقیقی تجزیه و تحلیل نمی‌شود.

۴-۱. تلاش‌های نظری برای تسهیل امر اثبات و ارائه دلیل

در موردی که مسلم است چه کسی مرتکب جرم مورد ادعا شده است، برای مجازات کردن شخص حقوقی دشواری چندانی وجود ندارد، چرا که احراز عنصر روانی شخص حقوقی ضرورت ندارد. در واقع شخص حقوقی به سهولت مسئولیت خود را می‌پذیرد و در حد امکان می‌خواهد از بار تشریفات و فرایند کیفری نجات یابد.^(۲) این موضوع تا حدودی به این دلیل است که مبالغ جزای نقدی در مورد یک شخص حقوقی سنگین و فوق‌العاده نیست.

غالباً دسترسی به مرتکب حقیقی دشوار است، به ویژه در موردی که شخص حقوقی مرکب از یک سازمان گسترده و بزرگ است. برای حل این مشکل اثباتی، قاعده معروف به تئوری ساختار شخصیت حقوقی به وجود آمده است. به هر حال این تئوری با انتقاد شدیدی مواجه بوده است، ضمن آنکه به دلیل نتایج و آثار سختگیرانه و شدید آن مورد قبول واقع نشد.

۱. در اینجا منظور از نماینده هر یک از افراد مسئول شخص حقوقی است مثل مدیر عامل، رئیس و غیره.

[مترجم]

۲. همان طور که در مبحث نهم ذکر خواهد شد چون بر اساس قاعده «ریویاتسو-کایتی» رفتار نماینده شخص حقوقی، رفتار او تلقی می‌شود، لذا با احراز عنصر روانی مرتکب جرم، موضوع عنصر روانی شخص حقوقی نیز حل می‌شود. بنابراین، چنین نگرشی به عنصر روانی اشخاص حقوقی، آن را از جرائم با مسئولیت مطلق (که احراز عنصر روانی ضرورت ندارد) متمایز می‌سازد.

۲-۴. تلاشهای تقنینی برای تسهیل امر اثبات و ارائه دلیل

در ژاپن همچنین قاعده‌ای وجود دارد که بر اساس آن دادگاه می‌تواند رابطه سببیت رفتار یک شخص حقوقی و خسارت با فعل مندرج در بخش ۵ قانون جرائم مزاحمت عمومی (۱۹۷۱) را استنباط کند. با این حال، قاعده مزبور به دلایل متنوعی در عمل مؤثر واقع نمی‌شود.

مبحث پنجم: شخص حقوقی وابسته به دولت - بدون معافیت

اشخاص حقوقی متعلق به دولت نیز دارای مسئولیت کیفری هستند. هیچ دکترینی که نوعی معافیت را در این زمینه اجازه دهد وجود ندارد. خود دولت نیز مسئولیت کیفری دارد، هرچند که هیچ پرونده‌ای که دال بر مجازات شدن دولت باشد، وجود ندارد. (به هر حال دولت نه تنها ممکن است به عنوان یک مقام اداری عمل کند، بلکه امکان دارد که همچون یک شخص حقوقی نیز اقدام کند). در این رابطه، پاره‌ای از مقررات به طور قطعی مسئولیت کیفری دولت را نفی کرده‌اند.

مبحث ششم: اعمال یک عامل صوری و رفتارهای خارج از حدود اختیار

بر طبق قاعده «ریوباتسو-کایتی» رفتار یک نماینده، عامل، کارمند یا هر شخص دیگری که در خدمت یک شخص حقوقی است و مرتکب جرم می‌شود، موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌شود. چنانچه رفتارهای یک کارگزار صوری (غیر واقعی) باعث پیدایش جرم شود، در این صورت مجازات کردن شخص حقوقی دشوار خواهد بود، زیرا معمولاً نماینده شخص حقوقی در این رابطه هیچ وظیفه نظارتی ندارد که بتواند مانع ارتکاب جرم از طرف عامل صوری شود. به هر حال وضعیت متکی به این است که شخص حقوقی وجود یا عدم وجود عامل را در جریان دعوای کیفری ثابت کند که در این صورت بدون توجه به شیوه حل و فصل دعوای مدنی می‌توان تا حدی تصمیم‌گیری کرد.

در خصوص رفتارهای خارج از حدود اختیار عامل، شخص حقوقی را می‌توان مورد مجازات قرار داد، چرا که در هر حال او یک نماینده است، البته این وضع در

صورتی است که رفتار عامل در حال خدمت در یک شخص حقوقی و به واسطه انجام وظیفه به نحوی که طبق قاعده «ریوباتسو- کایتی» ضرورت دارد، انجام شده باشد. گرچه رفتار خارج از حدود اختیار هیچ عذری برای انکار مسئولیت کیفری و همچنین مدنی محسوب نمی‌شود، اما یک شرط ضروری در این باره این است که شخص حقوقی بتواند تا حدودی نسبت به عامل خود نظارت و کنترل اعمال نماید.

مبحث هفتم: ضرورت شناسایی رفتار یک مرتکب حقیقی

برای مجازات کردن یک شخص حقوقی، شناسایی شخص طبیعی‌ای که مرتکب جرم شده است، ضرورت دارد. هم‌چنان که اشاره شد، تئوری ساختار شخصیت حقوقی برای تحمیل مجازات نسبت به شخص حقوقی، شناسایی شخص طبیعی (حقیقی) را لازم نمی‌داند، لیکن چنان که پیشتر اشاره شد این تئوری یک گزینه اقلیت است و کماکان مورد قبول اکثریت واقع نشده است.

مبحث هشتم: رابطه بین وظیفه نظارتی^(۱) و مسئولیت شخص حقوقی

در نظارت کیفری ژاپن هیچ نوع طبقه‌بندی کلی از جرائم وجود ندارد. بنابراین اگر مقرراتی که متضمن جرائم هستند، قاعده «ریوباتسو- کایتی» را پذیرفته باشند، اشخاص حقوقی در رابطه با هر یک از جرائم قابل مجازات هستند.

مطابق تئوری حاکم - که احتمالاً وضعیت در دادگاهها نیز این‌گونه است - وظیفه نظارتی یک نماینده شخص حقوقی نسبت به مرتکبین حقیقی، موجب مسئولیت کیفری شخص حقوقی می‌شود. بر اساس قاعده «ریوباتسو- کایتی» فرض بر این است که وظیفه نظارتی یک نماینده دقیقاً به منظور توجیه مسئولیت کیفری شخص حقوقی ایجاد شده است. با این حال، برای مجازات نمودن شخص حقوقی احراز اینکه چه نوع وظیفه‌ای نقض شده است، الزامی نیست.

مبحث نهم: عنصر روانی شخص حقوقی

بر اساس قاعده «ریوباتسو- کایتی» برای مجازات شخص حقوقی، احراز عنصر روانی به طور مستقل ضرورت ندارد. لیکن اثبات رفتار مرتکب حقیقی ای که جرم را به وجود می آورد اجتناب ناپذیر است، زیرا در این صورت عنصر روانی (که شرط ضروری ایجاد هر جرمی است) نیز احراز می شود.

بدین ترتیب، عنصر روانی شخص حقوقی چیست؟ تاکنون در این خصوص از طرف محاکم هیچ تفسیر روشنی ارائه نشده است.

مطلبی که می توان گفت به این شرح است: با توجه به اینکه عنصر روانی مرتکب حقیقی ضروری است و با توجه به اینکه مسامحه نماینده در رابطه با وظیفه نظارتی خود، مفروض و موجود تلقی می شود، عنصر روانی شخص حقوقی (به تبع نماینده) موجود فرض می شود و به این ترتیب مسئولیت مطلق^(۱) نیز مردود می شود.

از طرفی با توجه به اینکه احراز عنصر روانی شخص حقوقی به طور قطعی ضرورت ندارد، نوعی مسئولیت مطلق نامرئی (پنهانی) ایجاد می شود و این در واقع دلیلی است که برخی در صدد تبیین قاعده «ریوباتسو- کایتی» بر مبنای ایده مسئولیت نیابتی هستند و هم اینکه چرا قاعده ساختار شخصیت حقوقی تأکید دارد بر اینکه شخص حقوقی بدون شناسایی رفتار یک مرتکب حقیقی نیز قابل مجازات است. با این حال، این تلاشها به طور گسترده ای مورد پذیرش واقع نشد و حداقل پس از جنگ جهانی دوم و متعاقب تأکید بر دکترین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، کماکان به عنوان یک گزینه نظری اقلیت به حساب می آید. علاوه بر اینکه، به طور کلی در ژاپن پذیرش مسئولیت مطلق در قلمرو حقوق کیفری دشوار است.

۱. strict liability (مسئولیت مطلق): علی الاصول در حقوق کیفری مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا مستلزم احراز عنصر روانی است. اما در برخی موارد و متأثر از مبنای خاص، مسئولیت کیفری بدون نیاز به احراز عنصر روانی نسبت به مرتکب تحمیل می شود. این گونه جرائم را جرائم یا مسئولیت مطلق می نامند. مثل جرائم مربوط به مواد غذایی، عبور و مرور و غیره. بنابراین، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از نوع مسئولیت مطلق نمی باشد. [مترجم]

مبحث دهم: ضمانت اجراهای ناظر بر شخص حقوقی و نظام کیفری ژاپن

۱- در مورد یک شخص، نه تنها ضمانت اجرای اداری قابل اعمال است، بلکه ضمانت اجراهای شبه جزایی^(۱) (همچون جریمه امتناع از پرداخت به نحوی که در قانون ضدانحصار پیش‌بینی شده است) و همچنین ضمانت اجراهای کیفری (فقط جزای نقدی) قابل تحمیل می‌باشد. این ضمانت اجراها می‌توانند به طور جمعی هم اعمال شوند. گاهی اتفاق افتاده است که نسبت به عمل واحدی ضمانت اجرای اداری و کیفری توأماً حکم داده شود. دادگاه نیز چنین وضعی را منطبق با قانون اساسی اعلام داشته است، زیرا ضمانت اجرای اولی (یعنی اداری) به منظور حفظ و بقای نظم مختل شده و دومی (یعنی ضمانت اجرای کیفری) نیز برای تقبیح جنبه غیر اخلاقی رفتار مزبور اعمال می‌شود (با این حال، مورد مزبور مربوط به جرم ارتكابی توسط شخص حقوقی نیست). همچنین گاه اتفاق افتاده است که ضمانت اجرای شبه جزایی و کیفری مجموعاً نسبت به عمل واحدی که در قانون ضدانحصار پیش‌بینی شده است، تحمیل شود. این احکام قانونی تلقی می‌شوند، چرا که جریمه شبه کیفری به منظور گرفتن (استرداد) منافع نامشروع از شخص حقوقی است و ضمانت اجرای کیفری، در مفهوم دقیق کلمه، به خاطر سرزنش و تنبیه اوست. در زمانی که جریمه شبه کیفری در قانون ضدانحصار پیش‌بینی و مبلغ آن افزایش پیدا کرد، چنین اختلاف و تمایزی در سوابق قانونگذاری مربوط به آن از جهت رفع انتقاد بالقوه مجازاتهای مضاعف،^(۲) مورد تأکید قرار گرفت. به هر حال، تا زمانهای اخیر، عملاً در اجرای ضمانت اجراهای مذکور به طور جمعی و بر اساس اختیار مقام تعقیب اجتناب شده است. با این وصف، وضعیت به تدریج تغییر یافته است و مقام تعقیب قطع نظر از اینکه آیا جریمه شبه کیفری تحمیل شده است یا خیر، شروع به تعقیب پرونده می‌نماید.^(۳) به اعتقاد نویسنده، این موضوع در آینده به وسیله محاکم

1. quasi- criminal sanctions.

۲. با توجه به توجیه فوق، انتقاد مجازات مضاعف منتهی است. زیرا هر یک از ضمانت اجراهای مذکور با هدف خاصی تحمیل می‌شود. ضمانت اجرای اداری به منظور وادار کردن فرد به استرداد اموال نامشروع و ضمانت اجرای کیفری در راستای مجرمانه و سرزنش‌آمیز بودن رفتار است. [مترجم]
۳. تحمیل ضمانت اجرای شبه کیفری توسط یک مرجع اداری صورت می‌گیرد و شخص محکوم ←

مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- ضمانت اجرای اداری و شبه کیفری (به عنوان نمونه جریمه مندرج در قانون ذمه انحصار) از طرف یک مرجع اداری (یعنی کمیسیون تجارت عادلانه) اعمال می‌شود اما ضمانت اجرای کیفری همیشه فقط توسط دادگاه اعمال می‌شود.

۳- انحلال، بستن، ضمانت اجرای مالی (نقدی)، اعاده وضع به حالت سابق، محرومیت از انجام معامله با نهادهای عمومی، محرومیت از امتیازات و کمکهای مالی دولت، ممنوعیت از آگهی دادن، مصادیقی از ضمانت اجرای اداری هستند. در موردی که شخص حقوقی تکرار رفتارهای غیرقانونی را متوقف نکند، بعضاً انتشار حکم و مراتب تحمیل ضمانت اجرا از طرف رسانه‌های گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچند انتشار حکم بعضاً توسط یک مرجع اداری صورت گرفته است، با این حال ماهیتاً یک ضمانت اجرای اداری (رسمی) محسوب نمی‌شود.

ضمانت اجرای مالی، همچون ضبط سودهای ناشی از فعالیت غیرقانونی، ماهیتاً نوعی ضمانت اجرای شبه جزایی (به نحوی که در قانون ضدانحصار و قانون مالیات عمومی کشوری و تحت عناوین «کاجوکین» و «جوکاسان زای» پیش‌بینی شده است) تلقی می‌شود.

اما مطابق قانون کیفری ژاپن، ضمانت اجرای مالی همچون ضبط خاص اموالی که در ارتکاب جرم استفاده شده یا از طریق جرم تحصیل شده است و ضبط عواید ناشی از فعالیت غیرقانونی، ضمانت اجرای کیفری محسوب شده و تحمیل می‌شود. (این وضع بدین معنی است که در مورد ضبط «خاص» اموال هیچ مقرره‌ای وجود ندارد.

همچنین، در ژاپن مقرره بخصوصی وجود دارد که براساس آن انحلال شخص حقوقی به واسطه تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری مندرج در قانون ضد انحصار اجازه داده می‌شود، اما این مورد یک مورد استثنایی است، ضمن اینکه انحلال، فی نفسه یک ضمانت اجرای کیفری در مفهوم دقیق کلمه نیست.

← نیز معمولاً مورد تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرد، با این حال این وضع مانع شروع به تعقیب کیفری توسط مقامات ذی‌ربط نمی‌شود. [مترجم]

۴- در مورد ضمانت اجرای شبه کیفری همچون جریمه، وضعیت اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. مبلغ جریمه امتناع از پرداخت در مورد یک شخص حقوقی متوسط یا کوچک و یا نسبت به فعالیت تجاری کلان یا خرد، با عنایت به تنزاع میزان گردش مالی که در واقع مبنای محاسبه مبلغ جریمه مزبور است، کاهش داده می‌شود (بخش ۲-۷ قانون ضدانحصار). تصور این است که دلیل برخوردهای متفاوت (یعنی درجه بندی اشخاص حقوقی و نوع معاملات در تعیین میزان جریمه)، احتمالاً به خاطر این است که نسبت سود در اشخاص حقوقی مزبور شبیه یکدیگر است.^(۱) با وجود این، درباره ضمانت اجرای شبه کیفری دیگر، یعنی مالیات اضافی وضعیت اقتصادی مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد (بخش ۶۸ قانون مالیات عمومی کشور).

در رابطه با ضمانت اجرای کیفری، وضعیت اقتصادی مستقیماً در نظر گرفته نمی‌شود، هرچند زمانی که دادگاه در مورد نوع و میزان ضمانت اجرای کیفری تصمیم‌گیری می‌کند، معمولاً جنبه‌های مختلف، از جمله وضعیت اقتصادی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. به علاوه، هیچ‌کس نمی‌تواند این موضوع را که دادگاهها در موقع تصمیم‌گیری نسبت به پرونده‌های خاص، ابعاد مختلف را در نظر خواهند گرفت، انکار کند.

۵- تخمین عواید غیرقانونی، عموماً پذیرفته نمی‌شود. لیکن مقرره خاصی وجود دارد که چنین تخمینی را لازم فرض می‌کند.

در مورد جریمه اضافی مندرج در قانون ضدانحصار، مقررات اجازه می‌دهد که منافع نامشروع تماماً و تا حد محروم شدن کامل از آن، با توجه به محاسبه میزان گردش مالی مشخص و با یک فرمول عددی دقیق تصفیه شود. همان‌گونه که پیشتر گفته شد | اخیراً شاخص تعیین میزان جریمه افزایش پیدا کرده است.

در زمینه مالیات اضافی، قانون به اداره مالیاتی اجازه می‌دهد که درآمد مبنای

۱. با توجه به طبقه بندی سطح اشخاص حقوقی به بزرگ، متوسط و کوچک و همچنین حجم معاملات (کلان و خرد) به نظر می‌رسد که مقصود، مشابهت سود در هر یک از انواع اشخاص مزبور و نوع معاملات، خاص باشد.

مالیات را که همچنین شاخص تعیین میزان مالیات اضافی است، برآورد کند. تقریباً همه نظامهای مالیاتی چنین سیستم محاسباتی را خواهند داشت.

۶- ضمانت اجرایی که بر یک مجرم حقیقی تحمیل می‌شود، در آیین دادرسی و تعیین ضمانت اجرای قابل اعمال نسبت به شخص حقوقی، هیچ نقشی را بازی نمی‌کند. به هر حال، براساس قاعده «ریوباتسو-کایتی» باید ثابت شود که کسی واقعاً قانون مورد بحث را نقض کرده است (طبق این قاعده، برای مجازات کردن یک شخص حقوقی فقط لازم است که یک شخص حقیقی به طور غیرقانونی عمل کرده باشد). بنابراین، شرط اساسی مجازات نمودن شخص حقوقی، اثبات رفتار غیرقانونی یک مرتکب حقیقی است.

۷- در دعاوی کیفری، معمولاً تنها ضمانت اجرای قابل اعمال نسبت به یک شخص حقوقی، جزای نقدی است. مبالغ جزای نقدی در مورد اشخاص حقوقی به اندازه کافی سنگین نیست و این خود یکی از عیوب نظام ضمانت اجرای کیفری در ژاپن است. به هر حال، دو روش برای بهبود کارایی ضمانت اجرای کیفری وجود دارد. یک روش، افزایش مبلغ جزای نقدی است. روش دیگر، ایجاد نوع جدیدی ضمانت اجراست. در اصلاح قاعده «ریوباتسو-کایتی» مندرج در قانون ضدانحصار و قانون تضمینات معاملات بورس، روش اول به نحوی که قبلاً اشاره شد، به کار گرفته شد.

مبحث یازدهم: آیین دادرسی مستقل در مورد شخص حقوقی

برای به کیفر رساندن یک شخص حقوقی، آیین دادرسی مستقلی وجود دارد. بیشتر قوانین، برای تعقیب شخص حقوقی، تعقیب مرتکب حقیقی را ضروری نمی‌دانند. این تعقیب مستقل، عموماً پذیرفته شده است.

در موارد عادی، مرتکب حقیقی و شخص حقوقی در یک دعوا مورد تعقیب واقع شده‌اند. در عین حال مواردی وجود دارد که براساس حق اعمال نظر شخصی مقام تعقیب، فقط اشخاص حقوقی یا بالعکس (یعنی فقط مرتکب حقیقی) مورد تعقیب قرار گرفته‌اند. (آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱، ۵۹٪ اشخاص

حقوقی و ۶۳٪ مرتکبین حقیقی تعقیب شده‌اند.)

مبحث دوازدهم: حق استیناف و عدم ثبت سابقه اشخاص حقوقی محکوم

اشخاص حقوقی حق پژوهش خواهی دارند و در این زمینه بین اشخاص حقیقی و حقوقی هیچ تفاوتی وجود ندارد. در رابطه با قانون ضدانحصار، فقط یک بار پژوهش خواهی امکان دارد، چرا که پرونده موضوع قانون ضدانحصار بدو در دادگاه عالی توکیو تعقیب می‌شود که این دادگاه در نظام حقوقی ژاپن معمولاً دادگاه مرحله ثانوی است. (اما در مورد سایر قوانین (به ویژه قانون تضمینات معاملات بورس) پژوهش خواهی تا دو بار امکان پذیر است.

در نظام کیفری ژاپن، هیچ سابقه و بایگانی خاصی از اشخاص حقوقی محکوم وجود ندارد. برای گزارش وقایع مجرمانه، یک نظام ثبت سابقه وجود دارد که تکرار جرم را سر و سامان می‌بخشد، لیکن این نوع بایگانی فقط به اشخاص حقیقی محدود می‌شود. از بُعد نظری (تئوریک)، مسأله‌ای که باقی می‌ماند این است که آیا وقتی اشخاص حقوقی بر اساس قاعده «ریوباتسو-کایتی» مجازات می‌شوند، واقعاً مجرم هستند یا خیر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بر اساس اطلاعات موجود، در مورد «تکرار» جرائم مربوط به اشخاص حقوقی هیچ آماری در دسترس نیست.